

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره بیست و چهارم. تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۱۹۸ Vol 2. No 24. 2018, p 187-198

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵)

بررسی نفقه اقارب در نظام حقوقی ایران

حسین صادقی

کارشناس ارشد حقوق

چکیده

نفقه‌ای است که به گروه خاصی از نزدیکان فرد به شرط اینکه، تمکن مالی برای تأمین معیشت خود را نداشته باشند تعلق می‌گیرد. چگونگی استحقاق افراد بر این نوع از نفقه و الزام فرد نفقه دهنده به آن، تفاوت‌هایی با نفقه زوجه دارد که مورد بررسی قرار می‌گیرد. انعقاد عقد نکاح دائم، موجب متعهد شدن زوج به پرداخت نفقه به زوجه است؛ بنابراین ترک انفاق و خودداری شوهر از پرداخت این حق مالی به زن، یکی از مصادیق نشوز زوج محسوب می‌شود، اما حق مالی مهریه بر ذمه زوج بوده و چون پرداخت آن تکلیفی مستمر نیست، عدم پرداخت آن جزو مصادیق نشوز زوج به حساب نمی‌آید. بررسی فقهی و حقوقی نفقه زن، ماهیت دلایل قرار دادن نفقه بر عهده مرد، ضمانت اجرای نفقه زوجه و حق مالکیت زن نسبت به نفقه، از جمله اموری است که از لحاظ فقهی و حقوقی و اجتماعی حایز اهمیت فراوان می‌باشد. از این رو در این مقاله به روش مرور، به منابع معتبر کتابخانه ای به آنها پرداخته خواهد شد. بدون شک حاصل این کار پژوهشی، برخی از شبهات در این عنوان پرکاربرد را برطرف خواهد کرد. راستی نفقه چیست؟ و چرا علی رغم بهره مندی زن و شوهر از مواهب زندگی مشترک مرد باید هزینه سنگین مالی امر ازدواج را بر دوش گرفته و پردازد؟ تعهد مرد نسبت به پرداخت آن چه پیامدهایی دارد؟ و همچنین عدم توجه مرد به این موضوع و عدم اجرای این تعهد چه پیامدهای بدنبال خواهد داشت؟

واژه‌های کلیدی: نفقه، ماهیت، نشوز، تمکن

مقدمه

– در پرداخت نفقه زوجیت تمکن مالی مرد شرط نیست. مرد در هر حال ملزم به پرداخت نفقه زن است. اما در پرداخت نفقه اقارب لزوماً فرد نفقه دهنده باید تمکن مالی داشته باشد.

– در نفقه زوجیت، توان مالی زن ملاک نیست. زن حتی اگر متمول هم باشد، مستحق دریافت نفقه است اما نفقه اقارب بر عهده نفقه دهنده مستقر نمی‌شود مگر اینکه فرد توان تأمین خود را نداشته باشد.

– زن بر اساس قانون می‌تواند نفقه گذشته خود را که مرد پرداخت نکرده مطالبه کند و این یک حق بر گردن مرد است و نسبت به آن مدیون زن است. اما در نفقه اقارب امکان مطالبه نفقه گذشته نیست.

– در نفقه زوجیت فقط مرد موظف به پرداخت است اما در نفقه اقارب این رابطه دو طرفه است و هر یک متمکن باشد ملزم به پرداخت نفقه فرد ناتوان است.

– نفقه زوجیت بین سایر دیون مرد دارای اولویت است. اما نفقه اقارب از چنین امتیازی برخوردار نیست.

– در میزان نفقه زوجیت وضعیت زن ملاک عمل است اما در نفقه اقارب وضعیت نفقه دهنده شرط است. با پرداخت نفقه اقارب مشکلات فقر و تنگدستی خانواده‌ها حل می‌شود.

اقارب چه کسانی هستند؟

بر اساس ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی «فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند» وقتی بحث از صعودی و نزولی می‌شود، به این معناست که به طور مثال فرزند فرزند و هر چه پایین‌تر رود، و پدر پدر و هر چه بالاتر رود مستحق نفقه خواهند بود. نکته دیگر این است که فقط اقارب نسبی مستحق این نفقه هستند. یعنی اقاربی که به صورت خونی و از طریق ولادت با هم خویشاوند هستند. بنابراین اقارب ناشی از رابطه نکاح (سببی) داخل در دایره نفقه‌اقارب نخواهند بود.

اگر فردی مستحق نفقه باشد و هم در خط نزولی هم در خط عمودی خویشاوند متمکن داشته باشد که از حیث الزام به نفقه در یک درجه هستند، هر کدام به صورت مساوی در پرداخت نفقه شریک خواهند بود.

فرض کنیم حالتی پیش بیاید که یک فرد متمکن، هم در خط صعودی و هم در خط نزولی خویشان مستحق نفقه داشته باشد، اما تمکن پرداخت نفقه همه آن‌ها را نداشته باشد، در این حالت پرداخت نفقه به اقارب در خط نزولی نسبت به اقارب در خط صعودی مقدم خواهد بود. نفقه فرزندان را پدر باید بپردازد و بعد از فوت او یا عدم قدرت او به پرداخت نفقه اجداد پدری به رعایت درجه‌قرابت باید نفقه را بپردازند. به این صورت که اولویت با پدر بزرگ است و اگر در قید حیات نبود یا متمکن نبود پدر بزرگ و همین‌طور بالاتر. و اگر به هر علت امکان پرداخت از سوی پدر و اجداد پدری میسر نشد، مادر باید نفقه بدهد و اگر مادر در قید حیات نبود یا تمکن مالی نداشت اجداد مادری مثل اجداد پدری با رعایت درجه‌قرابت باید نفقه را بپردازند. با پرداخت نفقه اقارب مشکلات فقر و تنگدستی خانواده‌ها حل می‌شود.

نفقه اقارب شامل چه مواردی می‌شود؟

بر اساس ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی «نفقه اقارب عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». بر خلاف نفقه زوجیت که ملاک در پرداخت آن، وضعیت زوجه است، در نفقه اقارب وضعیت نفقه دهنده (منفق) شرط است. نفقه زوجه علاوه بر تأمین ضروریات، در صدد فراهم کردن آسایش مادی زن و شرایط بهتر زندگی اوست در حالی که تعریف قانون گذار در نفقه اقارب، تنها ضروریات حداقلی را دربر می‌گیرد.

تداخل نفقه اقارب و زوجیت

اگر زوجه در کنار چند تن از اقارب واجب النفقه قرار بگیرد، پرداخت نفقه زوجه بر اقارب مقدم خواهد بود و اگر مرد با پرداخت نفقه زوجه دیگر تمکن پرداخت نفقه اقارب را نداشته باشد، این امر از او ساقط می‌شود. با پرداخت نفقه اقارب مشکلات فقر و تنگدستی خانواده‌ها حل می‌شود.

پیگیری حقوقی نفقه اقارب

اگر فردی که ملزم به پرداخت نفقه است، غایب باشد یا از پرداخت آن خودداری کند، و الزام او به پرداخت نفقه ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد مستحق نفقه به مقدار نفقه از اموال فرد در اختیار فرد واجب النفقه یا کسی که اداره کننده مخارج آنهاست قرار دهد. و اگر اموال او در اختیار نباشد، همسرش یا فرد دیگری می‌تواند با اجازه دادگاه نفقه را به عنوان قرض بپردازد و بعد از شخص غایب یا مستنکف از پرداخت نفقه، دریافت کند. ذکر لفظ «می‌تواند» بیانگر این است که همسر یا دیگری الزامی به این امر ندارد و اگر خودش تمایل داشته باشد می‌تواند این کار را انجام دهد.

نفقه اقارب نهادی است در بین مسلمانان که با رعایت آن شاید بسیاری از مشکلات مالی موجود در خانواده‌ها حل شود و تنگدستی و فقر حداقل در بین نزدیکان ما گذران زندگی را سخت نکند. برخی از مسائل حقوقی ناشناخته است و آشنایی با آن می‌تواند به بهتر شدن زندگی ما کمک کند. مطالعه حقوقی را جدی بگیریم تا به حقوق و تکالیف خودمان آگاه باشیم.

مطابق فقه اسلامی، زوجه نیز از حق استمتاع در امور جنسی برخوردار است. یکی از این حقوق، حق مواقعه است که طبق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، زوجه حق دارد که همسرش هر چهار ماه یک‌بار با او آمیزش داشته باشد (عاملی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۶۶).

دلیل این بزرگواران روایتی از امام رضا علیه‌السلام است. صفوان بن یحیی از حضرت علیه‌السلام درباره مردی سؤال می‌کند که زن جوانی دارد و نه از باب آزار رساندن، بلکه به دلیل مصیبت دیدگی، با همسر خود مواجهه نمی‌کند. پرسش او این است که آیا مرد با این کار مصیبت می‌کند؟ امام علیه‌السلام در پاسخ

فرمودند: «اگر بیش از چهار ماه واقعه با او را ترک کند، معصیت کرده است؛ مگر با رضایت همسرش باشد (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۹)»
 دلیل دیگر بر این امر، آیه ایلاء (آیه ۲۲۶ سوره بقره) است: «لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَانِهِمْ تَرْبُصُهُ أَشْهُرٌ فَإِنْ فَاءُ وَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ: برای کسانی که به ترک همخوابگی با زنان خود، سوگند می‌خورند [ایلاء]، چهار ماه انتظار [و مهلت] است، پس اگر [به آشتی] باز آمدند، خداوند آمرزنده مهربان است». این آیه نیز دلالت بر این امر دارد که مرد نهایتاً تا چهار ماه می‌تواند ترک آمیزش با همسر را داشته باشد و بیش از آن یا باید رجوع کرده و یا زن را طلاق دهد.

براساس این ادله، اگر زوج بیش از چهار ماه آمیزش با زوجه را ترک گوید، این عمل یکی از مصادیق نشوز زوج قلمداد می‌شود.

البته قابل ذکر است که صاحب عروه معتقدند که اگر زوجه صبر بر چهار ماه ندارد و اگر زوج با او واقعه نکند، او در گناه خواهد افتاد، احتیاط آن است که زوج قبل از این مدت با او آمیزش برقرار کرده و یا او را طلاق دهد (طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱). برخی دیگر از فقها نیز فاصله چهار ماه را مخصوص مواردی دانسته‌اند که زن در اثر طول مدت به گناه نیافتد؛ در غیر این صورت، به خصوص در مورد زنان جوان، تقلیل فاصله یادشده را تا حدی که نیاز جنسی زن تأمین گردد، لازم دانسته‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۴). همچنین شاید بتوان گفت با استناد به ادله نفی ضرر و نفی حرج، اگر زنی پیش از مدت مذکور دچار ضرر و آسیب‌های روحی یا حرج و مشقتی در این زمینه شود، مرد در کمتر از مدت ۴ ماه باید به واقعه با زن بپردازد.

ترک قسم

حق قسم به قسمت کردن شب‌ها میان همسران گفته می‌شود.

مطابق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، زوجه حق دارد از هر چهار شب یک شب در کنار همسر خود باشد (بحرانی، الحقائق الناصرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۴، ص ۵۹۱). بی‌اعتنایی زوج نسبت به این حق زوجه، نیز یکی از مصادیق نشوز زوج محسوب می‌شود. البته برخی از محققین تخلف مرد از انجام اعمالی چون معاشرت پسندیده با همسر، معاضدت در تشیید مبانی خانواده، رعایت شئون زوجه و... را نیز جزء موارد نشوز زوج به حساب آورده‌اند (توجهی، مقاله «لزوم جرم‌انگاری نشوز زوج»، مجله مطالعات را خبردی زنان) در نهایت می‌توان گفت هنگام پدیدار شدن نشانه‌هایی که ممکن است در آینده نزدیک منجر به نشوز زوج شود، بهتر است که زوجین به تصحیح روابط خود اقدام کرده و حتی زوجه برای بقای زندگی خانوادگی، به عنوان اولویت اصلی، می‌تواند از برخی از حقوق مالی و غیرمالی خود برای مدتی چشم‌پوشی کند؛ تا با ایجاد تعاملات عاطفی بیشتر، زمینه‌های نشوز و عصیان مرد از انجام وظایف همسری‌اش از بین برود، اما اگر مرد از انجام وظایف زناشویی و همسری سر باز زد، اسلام حق مطالبه

حقوق و مراجعه به حاکم و دادگاه ذیصلاح را برای زوجه قائل شده است. بنابراین با توجه به مبانی و آموزه‌های اسلام در روابط خانوادگی همچون معاشرت به معروف داشتن زن و مرد با یکدیگر «و عاشرهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعیس أن تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیه خیراً کثیراً» (نساء: ۱۹) یا ادامه دادن زندگی با زن با وجه و طریقی پسندیده و یا اگر قصد جدایی از طرف مرد وجود دارد، به شیوه‌ای نیکو طلاق دادن زن با پرداخت حقوق او «امساک بمعروف و تسریح باحسان: یا به نیکو وجهی نگه داشتن اوست یا به نیکو وجهی رهاساختن» (سوره بقره: آیه ۲۲۹)؛ به نحوی که شوهر، زوجه را حیران و سردرگم نکرده و برای آسیب و ضرر رساندن عاطفی و مادی و... او را نگاه ندارد «و لاتمسکوهن ضرارا لتعتدوا: تا بر آن‌ها زیان برسانید یا ستم بکنید نگاهشان مدارید» (سوره بقره: آیه ۲۳۱)، اگر زوج برخلاف این مبانی و اداء حقوق زوجه رفتار کند و بر طلاق زن نیز رضایت ندهد، مرتکب نشوز و معصیت شده و دین اسلام نیز ضمانت اجرایی برای احقاق حقوق زوجه در این شرایط در نظر گرفته است. تا این جا به ذکر مفهوم نشوز زوج و مهم‌ترین مصادیق آن در فقه امامیه اشاره شد. در یادداشت بعد، در باب ضمانت‌اجراهای موجود در فقه برای زوجه در برابر نشوز زوج مطالبی بیان خواهد شد.

در این عصر با ظهور شیخ انصاری و شاگردان او روش فقهای دوره قبل به اوج کمال رسید (گرچی، ۱۳۸۵: ۲۶۵) و عصر جدید عصر تغییرات سریع و ظهور وضعیت‌های جدید بود که تحولاتی را در فقه به وجود آورد.

اما با وجود همه تلاش‌ها فقه و تفقه فاصله زیادی با وضعیت مطلوب داشته و سرعت تحول متناسب با نیازهای روز نشده است.

از فقهای دوره شیخ مرتضی انصاری، آخوند خراسانی، آقا ضیاء عراقی، شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی)، آیت‌الله خویی، عبدالکریم حائری شیرازی، آیت‌الله خمینی، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله میرزا جواد تبریزی می‌باشند.

از فقهای معاصر آیت‌الله صافی، آیت‌الله سیستانی، مرحوم گلپایگانی (ره) خروج بدون اجازه زن از منزل را موجب نشوز زن می‌دانند (صافی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۷۴ / سیستانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۱۰۳ / گلپایگانی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۶۴).

امام خمینی خروج از امور واجب را موجب نشوز او می‌داند اما ایشان عدم آمادگی برای تمکین را هم مثل خودآرایی برای زوج را از امارات نشوز می‌شمارد و نشانه‌های نشوز را تغییر عادت در قول و فعل و عکس‌العمل خشن در مقابل مرد و برخورد سنگین با او دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۰۵ / گلپایگانی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۶۴) و نشوز مرد را درجایی می‌دانند که زوج حقوق واجب او را که نفقه و لباس است، ندهد؛ که در این صورت زن بعد از موعظه مرد و امتناع مرد به حاکم رجوع می‌کند؛ و اگر مرد بعض حقوق غیر واجب را ترک کرد و یا خواست جهت کراهتی که به دلایل مختلف از زن دارد، بدون اینکه هیچ آزاری به زن برساند او را طلاق بدهد، زن می‌تواند بعض حقوق خود را بذل کند تا مرد او را طلاق

ندهد ولی اگر با ظلم و اذیت بخواهد حقوق واجب زن را ندهد، آنچه زن بذل کرده بر او حرام است. (خمینی، ج ۲، ۳۰۵). مرحوم خویی معتقد است که زن وقتی ناشز است که بدون اجازه زوج از منزل خارج شود و در بقیه موارد نباید کارهایش با استمتاع زوج منافات داشته باشد. (خویی، ج ۲، ۲۸۹).

فقه‌های حاضر نوعاً خروج از منزل را منوط به اجازه شوهر می‌دانند که از اقتضانات ریاست شوهر است و در دایره تمکین عام است و در خصوص نشوز زن و مرد از آخرین نظریات تعدیل شده فقها در روند تدریجی مفهوم نشوز تبعیت کرده‌اند و آن اینکه زن حق دارد در صورت تعدی مرد از حقوق خود نسبت به این عمل ظالمانه، به موعظه او اقدام کند و صلح میان زوجین در وقت و زمانی است که به حقوق واجب زن تعدی نشده باشد؛ یعنی در حقیقت این نکته روشن شد که دلایل درخواست طلاق مرد و سنجش ظالمانه بودن و نبودن آن قابل سنجش و بررسی است و نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا بود. اگر بعد از بررسی مشخص شد که مرد بدون دلیل موجه نفقه زن را نمی‌پردازد قانون‌گذار مطابق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، حاکم را موظف می‌کند این حق زن را بستاند.

فاضل هندی در بخشی از کتاب خود نشانه‌های نشوز زن را ترشروی، برخورد سنگین، عدم پاسخ به استقبال می‌داند (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۰۷ / ج ۷، ۵۲۴)؛ و در نشوز مرد نسبت به فقه‌های پیشین موارد ذیل را تکمیل نموده است:

- علاوه بر عدم ادای حقوق واجب زن (قسم و نفقه) او را مورد آزار قرار داده و سوء معاشرت داشته باشد در این صورت زن می‌تواند مرد را موعظه و سپس به حاکم مراجعه کند.

پس از ایشان محقق بحرانی نسبت به نشوز مرد یک نظر تفصیلی دارد و معتقد است بین زمانی که زوج حقوق واجب زن را نمی‌دهد با جایی که به دلیل کبر سن یا مرض بخواهد زن را طلاق بدهد تفاوت وجود دارد. در جایی که نشوز مرد تعدی به حقوق زن باشد، زن باید به حاکم رجوع کند و لازم نیست حقوق خود را بیخشد، اما اگر به دلیلی خارج از این مورد بخواهد زن را طلاق بدهد زن مجاز به بخشش حقوق خود است. تفاوت دیگر نظر ایشان این است که مانند فاضل هندی معاشرت به معروف را از حقوق زن نسبت به مرد دانسته و لذا سوء معاشرت زوج را هم از علامات نشوز او می‌داند (محقق بحرانی، ج ۲۴: ۶۱۹).

در این دوره با وجود عصر اخباریگری لکن به دلیل شخصیت معتدل و روش عقلانی فاضل هندی و محقق بحرانی، تحولی در بحث نشوز مرد انجام گرفته است زیرا که علاوه بر الحاق سوء معاشرت به اسباب نشوز مرد، هر زمان که مرد بخواهد زن را طلاق دهد، زن مجاز به بخشش حقوق خود نیست بلکه تصمیم به طلاق مرد نباید با ظلم به زن همراه باشد بلکه اگر به دلیلی مثل مسن بودن زن یا مرضی او این تصمیم را گرفته باشد، به زن اجازه به بخشش حقوق داده شده است. به این معنا که مرد به هر دلیل غیرموجه تصمیم به طلاق بگیرد، نمی‌توان زن را مجاز به بخشش حق خود دانست. از نقاط امتیاز دیگری که در این عصر مطرح شده موعظه‌ای است که زن در هنگام نشوز مرد و قبل از رجوع به حاکم باید انجام دهد که اولاً به

زن فرصتی داده شده تا در شرایط قبل از طلاق به چاره‌جویی بپردازد و طلاق به‌عنوان راه‌حل نهایی در ابتدای کار قرار نگیرد و جدا شدن زن از مرد مانند نشوز زن مرحله‌به‌مرحله به طلاق نزدیک شود و ثانیاً زن به‌عنوان یکی از اعضای خانواده در ابتدا با موعظه از متلاشی شدن خانواده جلوگیری کند؛ که خود عامل مؤثری در حفظ حریم خانواده است و منابع شرعی نیز به رعایت آن تأکید دارند و «شرع مقدس اسلام در اختلاف بین زوجین، معمولاً حل مشکل را توسط خود آن‌ها در اولویت می‌داند» (کرمی و احمدیه، ۱۳۹۰: ش ۵۱، ۱۴۲-۱۳۶). تا اینکه حریم‌های خانوادگی تا حد امکان حفظ شود.

دانستنی‌های نفقه اقارب

نفقه فرزندان به ترتیب، ابتداً بر عهده پدر و سپس بر عهده جد پدر است. حال اگر پدر زنده نباشد یا توانایی انفاق نداشته باشد، آنکه موظف به پرداخت نفقه است، پدر پدر است. اگر پدر پدر و هم جد پدر زنده و قادر به انفاق باشند نفقه بر عهده پدر پدر (جد پدری اولاد) است. در صورت نبودن پدر و جد پدری یا عدم توانایی آن‌ها، نفقه بر عهده مادر است. اگر جد، جده مادری و یا جده پدری زنده باشد، نفقه بر عهده او خواهد بود. اما اگر هر سه نفر یا دو نفر آن‌ها زنده و یا قادر به انفاق باشند نفقه اقارب را باید به نسبت مساوی پرداخت کنند. در ماده ۱۲۰۰ ق.م.آ. است که نفقه ابوی با رعایت الاقرب فالاقرب، بر عهده اولاد و اولاد اولاد است. بنابراین اولاد در درجه اول موظف به نفقه پدر و مادر فقیر هستند. حال در شرایطی که پدر و مادر تنها یک فرزند داشته باشند، همان یک فرزند موظف است که نفقه پدر و مادر را تأدیه کند. اگر پدر و مادر، چند فرزند داشته باشند، تأدیه نفقه آنان، به صورت مساوی، میان فرزندانشان تقسیم می‌شود. از این لحاظ تفاوتی بین دختر و پسر نیست. در این میان، اگر پدر و مادری، فرزند بلافضلی نداشته باشند، پرداخت نفقه آنان می‌بایست توسط اولاد اولاد انجام شود. این پرداخت بصورت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. هرگاه یک نفر هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی، اقارب داشته باشد که از حیث الزام به نفقه در درجه مساوی هستند، نفقه اقارب او را باید اقارب مزبور به صورت مساوی پرداخت کنند.

اگر کسی که مستحق دریافت نفقه اقارب است، پدر و مادر و اولاد بلافضل داشته باشد، نفقه او می‌بایست توسط پدر و اولاد او، البته به صورت مساوی پرداخت گردد. (بدون اینکه مادر سهمی بدهد) براساس ماده ۱۲۰۱ ق.م.آ. اگر مستحق نفقه، مادر و اولاد بلافضل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد به شکلی یکسان و مساوی پرداخت کنند. در شرایطی که شخص ناچار است به چند نفر نفقه اقارب پرداخت کند، اگر از استطاعت مالی برای انفاق برخوردار باشد، می‌بایست به همگی آنان نفقه پرداخت کند.

عدم استطاعت مالی در پرداخت نفقه اقارب

در صورتی که شخص استطاعت مالی لازم جهت پرداخت نفقه اقارب را نداشته باشد، این وظیفه از دوش او برداشته می‌شود و نفقه خود فرد به نفقه دیگران مقدم می‌شود. دیگر آنکه نفقه زوجه بر نفقه اقارب تقدم دارد. براساس ماده ۱۲۰۳ ق.م در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود. در ارتباط با اقارب نزولی و صعودی، اقارب نزولی مقدم‌ترند. چنانکه در ماده ۱۲۰۲ ق.م آمده است اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق استطاعت پرداخت نفقه تمامی آنها را نداشته باشد، اقارب در خط عمودی نزولی، مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود. نکته: اگر واجب‌النفقه‌ای با قرض گرفتن از دیگران، احتیاجات خود را برآورده کرده باشد، منفق در صورتی ملزم به تأدیه دین خواهد بود که قرض گرفتن با اذن او یا اذن دادگاه انجام شده باشد.

ویژگی‌های نفقه اقارب

نخستین ویژگی شایان ذکر در باب نفقه اقارب آن است که این نفقه ناظر بر آینده است. بدین معنا که اقارب فقط نسبت به آینده می‌توانند مطالبه نفقه نمایند. وجوب این ویژگی از آن رو صورت گرفته که نفقه اقارب برای رفع احتیاج است و هرگاه احتیاج به نحوی رفع شده باشد دیگر تکلیفی برای منفق نخواهد بود. دوماً آنکه تنها شخصی مستحق نفقه است که فقیر باشد. یعنی شرایطی داشته باشد که نتواند با اشتغال به حرفه و کاری، اسباب معیشت خود را فراهم سازد. دیگر آنکه مطابق ماده ۱۱۹۸ ق.م کسی ملزم به انفاق است که شرایط نفقه دادن را داشته باشد. یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود. قانون جدید حمایت از خانواده (ماده ۴۷ و تبصره‌ی آن) مقرر داشته است که دادگاه به درخواست اشخاص واجب‌النفقه میزان و ترتیب پرداخت نفقه را تعیین می‌کند و برای وصول نفقه‌ای که به طور مستمر باید پرداخت شود یک بار تقاضای مرور اجرائیه کافی است.

جمع بندی

بر اساس آنچه که در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی است، نفقه اقارب حصری نیست. به عبارتی دیگر این شکل از نفقه به کسی اختصاص می‌یابد که ممکن است به صورت متعارف مورد نیاز شخص واقع شود. پس اگر خدمتکار هم عرفاً مورد نیاز شخص باشد جزو نفقه به شمار می‌آید. دیگر آنکه در نفقه، میزان و مقداری مشخص شرط نشده است اما آنچه که پرداخت می‌شود می‌بایست واجب مقدار کفایت باشد؛ یعنی به میزانی باشد که نیاز واجب‌النفقه را برطرف سازد.

سایر موارد مرتبط با نفقه اقارب عبارتند از:

آنچه که در پرداخت نفقه اقارب مدنظر قرار می‌گیرد وضع مالی نفقه دهنده، شئون و نیز وضعیت واجب‌النفقه است.

این مسئله که آیا نفقه زوجه شخص واجب النفقه نیز جزو نفقه وی قرار میگیرد یا خیر، محل اختلاف است. البته آنچه که در این میان غالباً مورد اتفاق است آن است که منفق مکلف به پرداخت نفقه است. مطابق ماده ۱۱۹۶ ق. م در روابط بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند. (مقصود از اقارب نسبی در خط عمودی یا خط مستقیم، خویشاوندانی هستند که به واسطه یکدیگر به دنیا آمده و متولد شده اند؛ اعم از اینکه واسطه‌ای در قرابت آن‌ها وجود داشته باشد (مانند جد و نوه) یا قرابت بدون واسطه باشد (مانند پدر و فرزند) منفق تنها موظف به انفاق در خط مستقیم، یعنی بین اجداد و آباء و اولاد است. بنابراین خویشان خط اطراف مانند برادر و خواهر و عمو و خاله... ملزم به انفاق یکدیگر و پرداخت نفقه اقارب نیستند. در صورتی که شخص با وجود تمکن و استطاعت مالی از پرداخت نفقه اقارب خودداری کند به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد. در این باره تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. توجه داشته باشید که امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون، مجازات به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی نیز مشمول مقررات این ماده قرار می‌گیرد.

پیشنهادات

- هر چه زمان پیش می‌رود و روابط انسان‌ها پیچیده‌تر می‌گردد، بیشتر به تعاملات اخلاقی و عادلانه نیازمند است و عبارات فقها در تبیین اخلاق و رفع بی‌عدالتی در خانواده در هر دوره نسبت به دوره پیشین آشکارتر شده است. (چون با زنان رفتار ظالمانه نداشته باشید، حق واجب زن باید داده شود، زن می‌تواند مرد را در زمان نشوز نصیحت کند، زن نباید وقتی مرد بدون دلیل بخواد او را طلاق بدهد از حق خویش بگذرد) و تمامی این عبارات نشان می‌دهد که مشکل اصلی عدم رعایت مسائل اخلاقی در درون خانواده‌هاست، لذا بیشترین همت برای شناخت معضل اخلاق در تعاملات خانوادگی باید انجام گیرد و تمهیدات قانونی برای رفع ظلم در خانواده‌ها ضروری است. همچنان که ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی در عدم پرداخت نفقه، حاکم را موظف به ادای حق زن نموده، در خصوص سایر حقوق واجب زن (حق جنسی و معاشرت به معروف) که عدم آن سبب نشوز زوج می‌گردد و برای احقاق حقوق او و جلوگیری از ظلم به او؛ اشاره قانون‌گذار به نشوز زوج هم لازم است. در لسان فقها و قانون وقتی مرد به دلیل عدم پرداخت نفقه ناشز می‌شود، راه اعاده حق مشخص است اما وقتی بدون جهت به سایر حقوق زن بی‌توجهی می‌کند. اگر موعظه زن بی‌اثر باشد، راهکاری غیر از طلاق برای بازگشت مرد به زندگی با زن و اعاده حق او پیش‌بینی نشده است. لذا قانون‌گذار باید تمهیداتی بیندیشد در مواردی که مرد دادخواست طلاق می‌دهد، علل آن را بررسی و نسبت به تصمیمات غیرمنطقی

مرد برای از هم پاشیدن کانون خانواده عکس العمل نشان دهد و مشخص است که شرع مقدس بدون دلیل موجه به تلاشی خانواده رضایت نخواهد داد.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن بابویه، علی، (۱۴۱۵)، المقنع، قم، موسسه الهادی علیه السلام.
- _____، (بی تا)، فقه الرضا، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، (بی جا).
- اردبیلی، موسی احمد؛ (بی تا). زیده البیان؛ المكتبة المرتضویة.
- جبار گلباغی ماسوله، علی، (۱۳۷۸). درآمدی بر عرف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جعفریان، رسول، تاریخ اجتهاد و تقلید از سید مرتضی تا شهید ثانی و تأثیر آن در اندیشه سیاسی شیعه، مجله علوم سیاسی - دانشگاه باقر العلوم (ع) (پاییز ۱۳۸۳، شماره ۲۷) از صفحه ۱۵۷ تا ۱۹۲.
- جفی، محمدحسن؛ (۱۳۶۷)، جواهر الکلام؛ ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حلبی، ابن زهره، (۱۴۱۷)، غنیه، ج ۱، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- الحللی، ابن ادريس، (۱۴۰۷). السرائر، قم، جامعه المدرسين.
- خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ق)، تحریر الوسیله، ج ۲، النجف الاشرف، مطه الآداب. (مطبعة الآداب).
- خوبی، (بی تا)، مبانی تکمله المنهاج، قم، دارالهادی.
- دانشنامه اسلامی، <http://wiki.ahlolbait.com>، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ش ۱۳۹۲.
- دایره المعارف اسلام پدیا، به نقل از مکارم شیرازی، ناصر، شهریور ۹۱. دایره المعارف فقه مقارن، ۳۳.
- سیستانی، سیدعلی، (۱۴۱۶). منهاج الصالحین، چاپ اول، قم، مکتبه آیه العظمی السید الحسین السیستانی.
- سیستانی، علی الحسینی، (۱۴۱۶). المنهاج الصالحین، ج ۱، قم، ستاره.
- شهید اول، محمدبن مکی، (۱۴۱۱)، اللمعه دمشقیه، ج ۱، قم، دارالفکر.
- شهید ثانی، زین الدین، (بی تا)، مسالک الافهام، ج ۱، قم، دارالهدی للطباعة والنشر.
- شیخ طوسی، (۱۳۸۷)، المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه.
- شیخ مفید، محمدبن النعمان العکبری البغدادی، (۱۴۱۰). المقنعه، قم، موسسه النشر الاسلامی،
- صافی، لطف اله، (۱۴۱۶). هدایه العباد، ج ۱، بی تا، دارالقرآن الکریم
- طباطبایی، علی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل، چاپ سنگی، قم، موسسه آل البيت
- طبرسی، امین الاسلام، (۱۴۱۵)، مجمع البیان، مؤسسه الاعلمی، ج ۱، بیروت،
- طوسی، ابن حمزه، (۱۴۰۸). الوسیله، مکتبه السید المرتضی، ج ۱، قم.
- علامه حللی، (۱۴۱۰). ارشاد الازهان، ج ۱، قم، جامعه المدرسين،
- _____، (۱۴۱۲). قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- _____، (بی تا). تحریر الاحکام، مشهد، موسسه آل البيت، چاپ سنگی.
- غنوی، امیر، (۱۳۹۲). درآمدی بر فقه اخلاق، چاپ ۱، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد، (۱۴۰۵). کشف اللثام، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- فخرالمحققین، محمدبن الحسن الحلّی، (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد، ج ۱، قم.
- کرمی، تقی، احمدیه، مریم، (۱۳۹۰). تأثیر لاضرر بر حکم نشوز و شقاق زوجین، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۱.
- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵). تاریخ فقه و فقهها، چاپ ۸، تهران، انتشارات سمت.
- گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۳). هدایه العباد، قم، دارالقرآن الکریم
- محقق بحرانی، (بی تا)، حدائق الناصره، قم، جامعه المدرسین،
- محقق حلّی، (۱۴۰۹). شرایع الاسلام، ج ۳، تهران، انتشارات الاستقلال.
- _____، (۱۴۱۰). المختصر النافع، تهران، موسسه البعثه.